

## عنوان مقاله:

علم و معرفت از دیدگاه خواجه عبدالله انصاری

## محل انتشار:

دوفصنامه زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)، دوره 54، شماره 223 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 36

## نویسنده:

## خلاصه مقاله:

چ ک ی د ه

صوفیان محقق لازمه طی منازل سیر و سلوک را همراه داشتن توشه‌ای به نام علم می‌دانند؛ زیرا از نظر ایشان علت انحراف عده‌ای از سالکان، جهل آنها و اشتغال به مجاهده قبل از عالم شدن است. به باور خواجه عبدالله گرچه علم برای عارف، پای‌بند است اما عارف بدون علم، شیطانی بیش نیست. جهالت زهری است که سالک را به هلاکت می‌رساند. از نظر وی معرفت، روح علم و امری شهودی است که با کسب و تحصیل به دست نمی‌آید. علم در سیر و سلوک عرفانی مانند چراغی است که ظلمات مسیر را روشن می‌کند؛ اما حالی که معرفت در سالک ایجاد می‌کند مانند نردبانی است که موجب صعود او می‌شود. اگر عارفی با عالمان سخن بگوید، و آنها مفهومی از آن سخن دریابند، آن مفهوم، علم است؛ اما علم، برای عارفان، معرفت است. در واقع برای عارف، علم استدلالی به علم لدنی تبدیل می‌گردد؛ یعنی آنچه بر علما معلوم است، برای عارفان مشهود می‌شود. از این رو لازم است که سالک با رفع حجاب علم از احکام آن به احکام احوال و مواجید منتقل شود. در مقام علم و قبل از رفع حجاب آن، این عقل آدمی است که ادراک کرده و از ادراکات او نفس ناطقه به بهجت و سرور می‌افتد؛ اما در مقام معرفت و شهود، نفس ناطقه محو گشته و ادراک به واسطه روح است؛ یعنی روح دارای وجد و سرور می‌شود.

## کلمات کلیدی:

علم، معرفت، حجاب علم، احوال عرفانی، سیر و سلوک

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1199845>

